شهرآرا روزنو
22
10
18
۲شنبه
۳۰ مهر ۱۳۹۷
۱۲ صفر ۱۴۴۰
شماره ۲۶۷۳

به وقت شله

مهدی محمدی

وزن‌کشی نان‌ها

روزنامه شهرآرا دیروز گزارشی منتشر کرد درباره قیمت و وزن متفاوت نان در مناطق سیزده‌گانه مشهد و حالا چند نکته درباره این گزارش:

- در این گزارش متوجه می‌شویم که نان سنگک در منطقه ۳، ۳۹۵گرم وزن دارد و هزار تومان است، اما در منطقه ۱۲، ۳۵۰گرم وزن دارد ولی قیمتش ۱۲۰۰تومان است. این یعنی توی منطقه ۳ پنیر را لای نان می‌گذارند، ولی در منطقه ۱۲ نان را لای پنیر می‌گذارند. یا مثلا در منطقه ۳ می‌گویند چرا داری کباب‌ها را خالی و بدون نون می‌خوری؟ ولی در منطقه ۱۲ می‌گویند چرا داری نون‌ها رو خالی و بدون کباب می‌خوری؟
- اصلا مگر انتخابی مسابقات کشتی تیم ملی است که رفته‌اید نان‌ها را وزن‌کشی کرده‌اید؟ یک لحظه احساس کردیم الان است که هادی عامل بیاید و بگوید «نان سنگک منطقه یک با دوبنده قرمز و نان سنگک منطقه ۲ با دوبنده آبی را در تصویر ملاحظه می‌کنید. برنده این مسابقه با نان سنگک منطقه ۳ که چغر و بدبدن است، مسابقه خواهد داد.»
- الان تعداد کسانی که داد می‌زنند «نون خشکیه» از تعداد نانوایی‌های شهر بیشتر است. حداقل بگویید برای ترویج مصرف درست نان، داریم نان را گران‌تر می‌فروشیم تا دلمان خوش باشد.
- دیروز تحت تأثیر گزارش روزنامه شهرآرا به نانوایی سنگکی سر کوچه‌مان رفتم و گفتم بی‌زحمت این نان سنگک را وزن کنید تا من بدانم بابت هر گرم نان، چندریال پول پرداخت می‌کنم. ولی نه‌تنها به حرف من توجه نکردند، بلکه شاطر، سنگ‌های داغ توی تنور را به سمتم پرت کرد. وقتی هم خواستم فرار کنم، خمیرگیر با آن چوب بلند توی نانوایی زد توی ملاجم. البته من کوتاه‌بیا نیستم. فردا می‌خواهم بروم یک نانوایی دیگر و بپرسم مگر این چهار تا کنجدی که روی نان می‌پاشید چقدر وزن دارد که ۵۰۰تومان بیشتر بابت آن باید پرداخت کنیم؟ خوبی یا بدی اگر دیدید، حلال کنید!

طنزیم پیامکی :)

استفاده از تاکسی‌متر و سوراخ شدن لایه ازون

آریا بی‌ریا

✉ ۰۹۰۱...۵۵۴ چرا برخی رانندگان از روشن‌کردن تاکسی‌متر خودداری می‌کنند؟

••• هیچ می‌دانید استفاده از تاکسی‌متر چقدر از برق خودرو را مصرف می‌کند؛ آن هم در روزهایی که با مصرف زیاد انرژی مواجه هستیم؟ از طرف دیگر برخی دانشمندان بر این عقیده هستند که استفاده از تاکسی‌متر باعث افزایش گازهای گلخانه‌ای و سوراخ‌شدن لایه ازون می‌شود. آیا شما حاضر هستید به قیمت آنکه کمی کرایه کمتری بدهید، از تاکسی‌متر استفاده شود و زمین آسیب ببیند؟ اگر هم فکر می‌کنید چون باجناق راننده تاکسی است و تاکسی‌متر روشن نمی‌کند، دارم طرف رانندگان متخلف را می‌گیرم، درست فکر می‌کنید.

✉ ۰۹۱۵...۰۴۳ چرا باوجود افزایش قیمت و تورم همه اجناس و مواد اولیه، شهرداری نرخ خرید پسماند در مراکز شهر را افزایش نداده؟ این درحالی است که اجناسی که تحویل می‌دهند، به نرخ روز است.

••• کدام گرانی؟ کدام تورم؟ همه این‌ها جوسازی‌های الکی فضای مجازی است، شما به‌جای رصدکردن قیمت‌ها از تلگرام و اینستاگرام، بروید در خیابان و از مغازه‌ها قیمت اجناس را بپرسید؛ نه‌تنها هیچ گرانی‌ای مشاهده نمی‌کنید، بلکه شاید ببینید که برخی اجناس ارزان هم شده‌اند.

✉ ۰۹۱۵...۹۵۹ چرا در ورودی و خروجی ایستگاه‌های خط یک همانند خط ۲ قطارشهری، از پله‌برقی استفاده نمی‌شود؟

••• همین است دیگر؛ گفتیم سطح توقعات را بالا نبرید. لطفا تابقیه شهروندان هم این‌قدر پرتوقع نشده‌اند، مسئولان بروند پله‌های برقی خط ۲ را هم بکنند و از این پله‌های معمولی بگذارند. بالا و پایین رفتن از پله هم ورزش است و به سلامتی افراد کمک می‌کند.

در حاشیه:

پرویز پرستویی که با حضور در تمرینات تیم ملی کشتی نشان داده بود حسابی طرفدار این ورزش است، به باخت غافلگیرکننده حسن یزدانی مقابل تیلور آمریکایی در مسابقات جهانی کشتی واکنش نشان داد و در اینستاگرامش نوشت: «می‌دونم باخت سنگینه اونم برای تو که همیشه کشتی‌هات زیر ۴ دقیقه با برد تموم شده. حالا هم دنیا که به آخر نرسیده، از نظر من کوچک‌ترین، تو همیشه قهرمانی، همیشه پهلوانی، همیشه سرفرازی، سرت رو پایین ننداز، بهت نمیاد جوانمرد جویباری...»

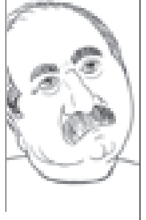

بازار سیاه‌مجازی

فروش بلیت بازی پرسپولیس و السد در «دیوار» و «شیپور» به قیمت نجومی نمونه دیگری است از حضور دلال‌ها در مجازستان

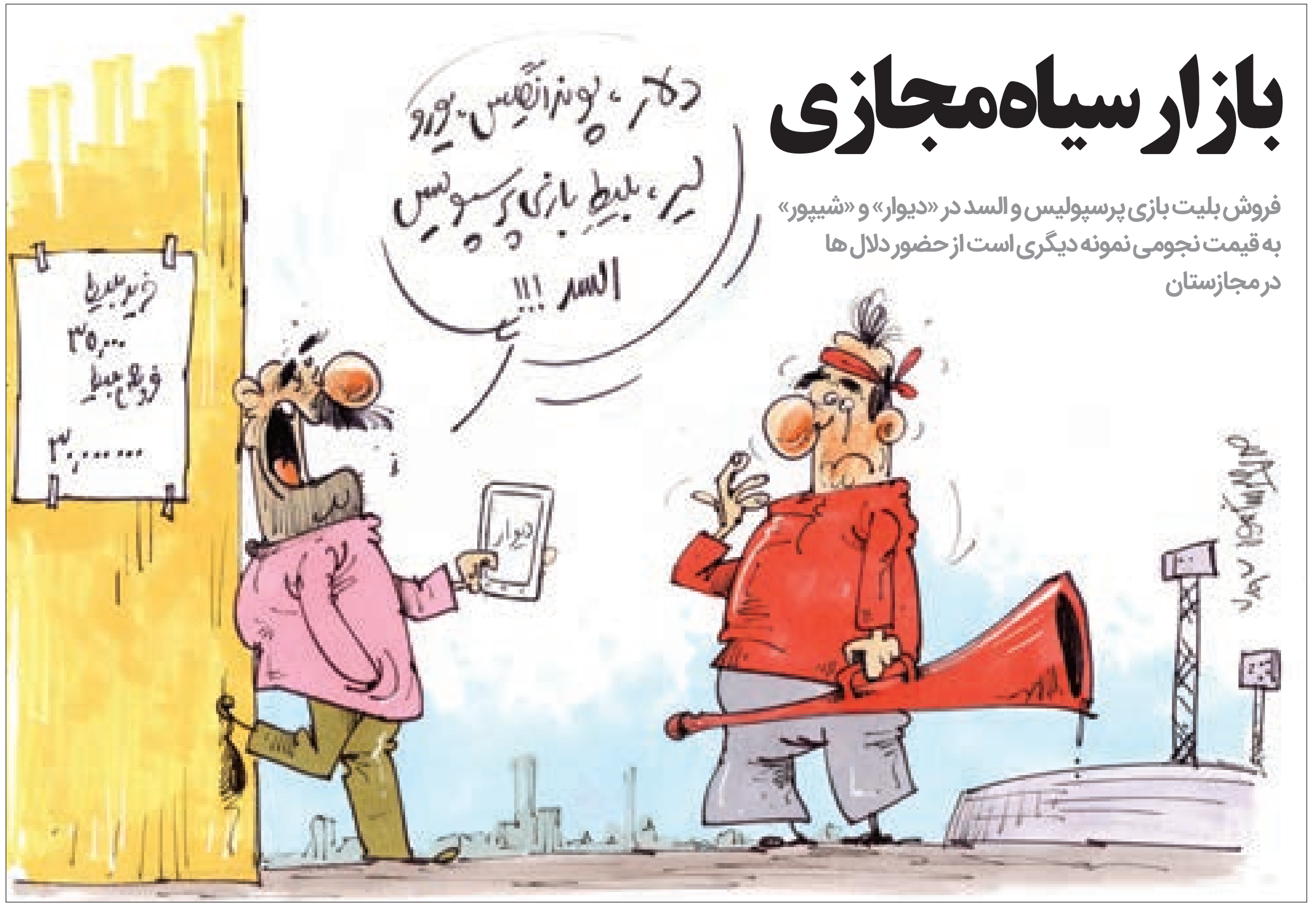
دلار، پوند، [illegible]، یورو، لیر، بلیط بازی پرسپولیس السد!!!
خرید بلیط ۳۵,۰۰۰ فروش بلیط ۳۰,۰۰۰,۰۰۰
دیوار

طرح: محمد رضا میرشاه ولد

ایمان فروزان‌نیا

● واکنش به بلیت‌های نجومی

«قیمت بلیت بازی پرسپولیس و السد سر به فلک کشید؛ ۵میلیون تومان! پای دلالان به فروش بلیت فوتبال هم باز شد.» تنها چندساعت بعداز پایان فروش اینترنتی بلیت‌های بازی پرسپولیس و السد که در کمتر از ۹دقیقه با ازدسترس‌خارج‌شدن سایت فروش جنجال‌ساز شد، فضای مجازی پر شد از توئیت‌هایی که خبر از فروش بلیت‌های بازی در بازار سیاه به‌ویژه در نرم‌افزارهای دیوار و شیپور می‌داد.

پرینت اسکرین‌ها از سایت دیوار یکی پس‌از دیگری در فضای مجازی بازنشر می‌شد، قیمت بلیت‌ها از ۱۰۰هزار تومان شروع می‌شد و تا ۵میلیون هم می‌رسید. این درحالی بود که دلال‌ها بیشتر از ۳۵هزارتومان برای خرید بلیت‌ها هزینه نکرده بودند. کاربران فضای مجازی به این اتفاق واکنش‌های متفاوتی نشان دادند؛ عده‌ای خرید چنین بلیت‌هایی را کاملا غیرعقلانی می‌دانستند: «خیلی دوست دارم بدونم کدوم... ۳میلیون و ۸۰۰هزارتومان می‌ده و بلیت می‌خره.» یک عده هم برایشان سؤال بود که بااینکه بلیت‌ها با کد ملی به فروش می‌رسیده است، چطور یک نفر، چندین بلیت برای فروش در بازار سیاه دارد! یک نفر با انتشار عکسی از آگهی‌های فروش بلیت بازی پرسپولیس و السد و اشاره به آگهی فروش ۷۰بلیت از جایگاه ویژه، نوشته بود: «این تعداد کمی از آگهی‌های موجود در دیواره؛ یه نفر ۷۰عدد بلیت جایگاه رو از کجا آورده؟ قیمت همه‌جوره هست؛ تا ۳میلیون. بعضی‌ها هم به‌صورت مزایده می‌فروشن. بیچاره هوادارا.» به نظر می‌رسد این تعداد بلیت را نمی‌توان ازطریق ثبت‌نام در سایت خریداری کرد و دلال‌هایی که به منابع دیگر تهیه بلیت دسترسی داشته‌اند، فرصت را مناسب دیده و برای فروش بلیت‌هایشان به فضای مجازی آمده‌اند.

● آن ور آب چه خبر است؟

خب اگر شما هم با شنیدن خبر بازار سیاه بلیت بازی پرسپولیس و السد، آه کشیده‌اید و فکر می‌کنید که آن طرف آب اصلا از این خبرها نیست، باید بگوییم که هم درست آه کشیده‌اید و هم غلط! درست آه کشیده‌اید، چون در کشورهای دیگر برای کنترل بازار سیاه به تمهیداتی بسیار بیشتر از یک کد ملی ساده بسنده کرده‌اند. فرایند خرید بلیت در کشورهای اروپایی به‌صورتی است که تماشاگران بعداز خرید بلیت یک شماره صندلی دریافت می‌کنند و فقط باید روی همان صندلی بنشینند، درست مثل سینما. تازه شماره صندلی با چهره فردی که بلیت را خریده تطابق داده می‌شود. علاوه‌براین‌ها هواداران واقعی یک باشگاه می‌توانند به کمک کارت هواداری خود، زودتر از دیگر افراد به بلیت‌فروشی مسابقات دسترسی داشته باشند تا هواداری که بارها برای حمایت تیم موردعلاقه‌اش به ورزشگاه رفته برای خرید بلیت یک مسابقه مهم، مجبور به پرداخت چندبرابر هزینه نشود. از طرف دیگر، غلط آه کشیده‌اید، چون در فوتبال حرفه‌ای اروپا هم بازار سیاه وجود دارد. برای نمونه باید خدمتتان عرض کنیم که در فینال لیگ قهرمانان امسال بین لیورپول و رئال‌مادرید که در کیف اوکراین برگزار شد، بلیت یکی از گوشه‌های ورزشگاه المپیک کیف که قیمت اولیه آن ۲۸۱پوند بود، در برخی سایت‌ها با قیمت ۱۵هزار پوند فروخته شد.

● سایت‌های فروش مجازی مقصرند؟

«چندوقتیه این بی‌فرهنگی و دزدی رو در ورزش، موسیقی و تئاتر می‌بینیم. از دیوار و شیپور انتظار باید داشت که قوانینی تدوین کنه تا جلو این رفتارها رو بگیره.» این نظر ازسوی بسیاری از کاربران فضای مجازی تأیید شد. حقیقت اینجاست که سایت‌هایی مثل دیوار و شیپور، مدت‌هاست که بستر مناسبی برای دلال‌ها فراهم کرده‌اند. از دلالی دلار، مسکن و خودرو بگیرید که در چند ماه گذشته و به‌دلیل نوسانات قیمت دلار بازارشان در این نرم‌افزارها داغ بوده است، تا دلالی مواردی مثل بازی پلی‌استیشن، گوشی موبایل، بلیت تئاتر و حالا بلیت فوتبال.

اما سؤال اینجاست که درمقابل این پدیده چه باید کرد؟ بعضی‌ها معتقدند پلیس فتا باید وارد عمل شود، مثل مشاور مدیرعامل باشگاه پرسپولیس که دراین‌باره گفت: «از پلیس فتا خواهش کردیم تا با سوءاستفاده‌کنندگان و کسانی که بازارسیاه به راه انداختند، مقابله کند.» مسئولان پرسپولیس همچنین اعلام کردند پلیس فتا ۹ نفر از کارشکنان در این رابطه را دستگیره کرده است اما حقیقت اینجاست که پلیس بارها و بارها درباره معضلات امنیتی استفاده از این سایت‌ها هشدار داده است و اطلاعیه‌شان زیر تمام پست‌های دیوار قرار دارد. گروهی از کاربران فضای مجازی پیشنهاد داده بودند مردم با راه‌اندازی پویشی با این دلالی‌ها مقابله کنند؛ پویش‌هایی با هدف گزارش این موارد و خودداری از خرید: «جلو سودجویی دلال‌های عوضی رو بگیریم با ریپورت‌کردن آگهی‌هاشون.» کاربری دیگر هم نوشته بود: «هواداران عزیز پرسپولیس! لطفا، خواهشا، از دلال‌ها بلیت نخرید. جدا از اینکه خیلی‌هاشون کلاهبرداری می‌کنن، رونق گرفتن بازارشون باعث تکرار این فاجعه می‌شه.» به نظر می‌رسد تنها راه‌حل منطقی هم همین باشد؛ چون نه می‌توان جلو پیشرفت فناوری و ایجاد فروشگاه‌های مجازی را گرفت و نه می‌توان تمام مشکلات را گردن پلیس فتا انداخت. تجربه ثابت کرده تا تقاضایی نباشد عرضه‌ای به وجود نمی‌آید؛ پس این دفعه توپ در زمین مردم است که با رفتارشان درمقابل این آگهی‌ها چه آینده‌ای برای این ماجرا رقم بزنند.

عکس داغ

به تازگی عکس قدیمی و خاطره انگیزی از علی‌دایی، کریم باقری و محمد خاکپور در فضای مجازی پخش شده است. علی دایی درباره این عکس گفته است: «نگاه کن چه لاغر بودیم و چه سبیلی داشتیم. این ادامه تیم جام جهانی ۹۸ است. من و محمد و کریم با هم جوانی کردیم. چه روزهای شیرینی بود. یادش به‌خیر. از خاطرات قشنگ زندگی‌ام این است که بهترین دوران زندگی‌ام را در کنار نسل ۹۸ بودم.»

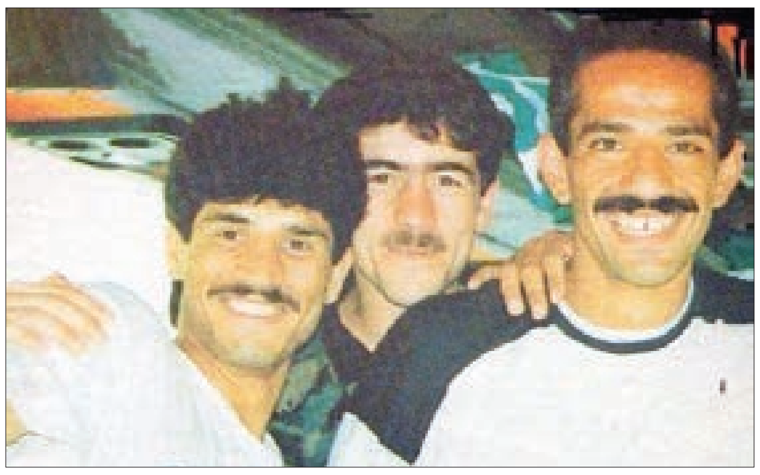

جدول ۲۵۲۶

shahr.puzzle@shahrara.com

دنیا آوردن کتابی از صادق چوبک			وجه نقد کیمیا توستر		رفیق سوزن آلبوم افتخاری ردیاب الکترونیکی			شهری بزرگ در ایلام
							عشق فرنگی	
اتاق بازیابی بیمار پیامبر اکرم(ص)								
				تسمه تحرک نامنظم				
شهری در هرمزگان حرف مکرر			ماده معطر بدن میت حرارت بدن					
		آزاد کردن از مقامات موسیقی					معالجه	
پسوند شباهت دور شدن					بی‌خطر اعضای کابینه			
			روال ابتدا					نقطه اینترنتی
کلک ناپدری				پارسا صد مترمربع				
						تعجب خانمانه		
آشکار جواهری								

پاسخ جدول ۲۵۲۵

دربست کارخانه از مشکلات اپتیکی چشم	ا	ک	برزن نوعی جنگ‌افزار	ک	چه وقت؟ پایتخت مه‌آلود	گ	بزرگ‌نمایی در عکاسی ناشی	ا
ا	س	ورزش توپ و میله طعام	ب	و	ل	ی	ن	گ
بنیان برآورد پیامبر صبور	ت	خ	م	ی	ن	صدمترمربع بنده	ا	ر
ا	ی	و	ب	مرافعه گلی زیبا از کاسنیان	د	ع	و	ا
مخفف اگر شجاعت	گ	ر	خیک فدیه	ا	ن	ب	ا	ن
ح	م	ا	س	ه	الم واحد سرعت باد	د	ر	د
نمایش عمومی فیلم سینمایی	ا	ک	ر	ا	ن	ماه سرد پارچه ابریشمی	د	ی
ل	ت	از اوراق بهادار دلداده لبنی	ب	ر	ا	ت	نومید	س
لنگه در گریبان	ی	ق	ه	خانه‌های ریز روی سر صنم	ت	ر	ا	م
ا	س	ی	ا	ب	سرشب	م	س	ا
محل سودن گندم فلز الکتریسیته	م	س	اهانت	ت	و	ه	ی	ن

طراح: محمدرضا علیزاده

۱۰ وقتی گره‌های ترافیکی باز می‌شوند

۱۱ غلط‌های آماری بلای جان سرمایه‌گذاری

۱۲ آدم‌کشی برای یک میلیون تومان

کِلّه وَنگ

مُشتِبا نخعی‌راد

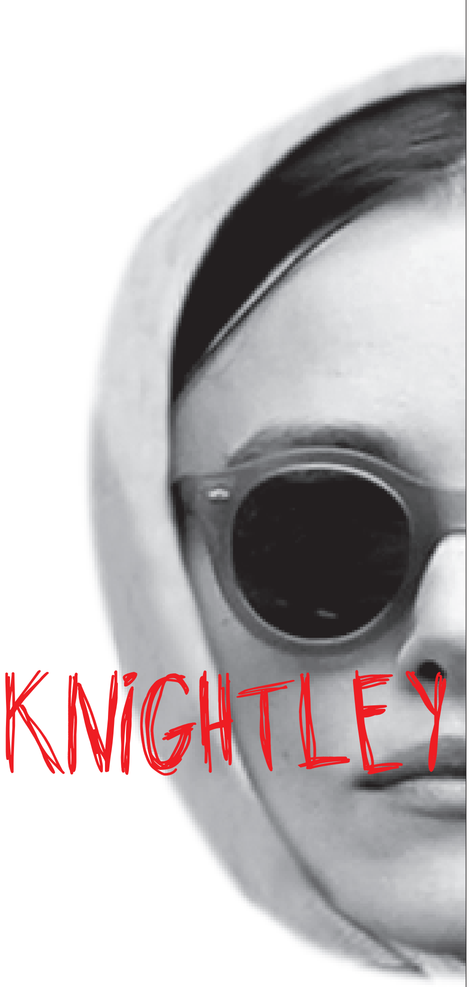

از فرقِ کِله تا توکِ پَنجولِ پا قرمز مِرم!

مُو نمدُنُم ملت از کِی ایقَذه سوسول رِفتَن؟ هَمسِده ما مخه از خَنه‌ش بِره خیال گُرجه بِخِره، وَرمِـدِره بچه خُردوشه مندازه تو تاف که بِرِ خودِش دلَنگون بِجُله تا ای وَرگِرده. یَکی‌ام مثه ای ستاره هالیفود «کِی‌را نایتلی» پیدا مِره که مگه: «نمگذارُم دخترُم ای کارتون سیندرلا رِ بیبینه، بِرای که سیندرلا همه‌ش منتظره یَگ پولدارِ خَفَنگی پیدا بره و بیه ای رِ نجات بِده.» یَره ای رِ جای دِگه نگی مَسقره‌ت مُکُنَن و بِذت مخَندَن. بچه‌های ای دوره ای‌جور چیزا بِرِشا فِنتی نَدره، اینا گودزیلایَن! یَگ فیلما مِبینَن که وَختی ما مِبینم از فرقِ کِله تا توک پَنجولِ پا قرمز مِرِم! اینا راهشه بِلَتَن، کد تَقلب مِزِنَن هم سیندرلا آزاد مِرِه، هم مِره یَگ دکترای اَفتخاری از دانشگای آزاد اونجه مگیره!

به نَظِر مُو وَردار بچه‌ته بِرفِست اینجِه، بِرِای که فیلمایی رِ که ما دِرِم، بیبینه. اینجِه وَرچُپه سیندرلا مِره، یَگ پسر آسمون جُل میه عاشق یَگ دختر پولدار مِرِه. ایقَذه کیلید مُکُنه که آخر سر دختره رِ بِذِش مِدَن و مُبُره بدبختش مُکُنه! بعدشم بچه‌ها یَگ جور تیزی نرفتَن که مِگِردَن همو فیلمایی که یَگ به علاوه ۱۴ یا ۱۸ کنارش نِبِشته، همونا رِ نِگا مُکُنَن. مایَم که بابا نَنه‌شایِم مِشینِم کارتونای عصر یخی و مُو نفرت‌انگیز اینا رِ مبینِم.

داشتم نِگا مکِردُم، دیدُم ای فیلم دزدای دِریای کارائیب که اَسمش مِره «مُرده‌یا قصه نمگَن!» رِ هم بازی کِردی. خَیلی فیلم خفَنگی بود، حلالت. هموجو مُرده‌یا رو هوا لیز مُخُوردَن و میامدَن دنبال ای یَرگه جَک‌چُغُکه مگشتن که طلسم اینا رِ قُروت کِرده بود و بِذشا نمداد. مگَن یَگ بازیگر ایرانی هم دِشته که اونجه جادوگری مکِرده. اسمشه مُدُنُم ولی نُمُگَم! کار ندرُم، واز بعدشم گفتی: «تو کارتون پری دِریایی خُردو، اونجه که مگه صدات رِ بِرِ یَگ مرد بلند نکُن، حال نکِردُم و نمگذارُم بچه‌م نِگا کنه.» یَره او فیلم «دخترا جیغ نمکَشَن» رِ ببینی چی مگی؟ بعدشم با ای قیمتای سِکه، مَردایِم نمتنَن صداشا رِ بالا بُبُرَن؛ زنایِم نَخَن صداشا رِ بالا بُبُرن که دِگه نمشه. اینایی که تو ای طَلاقا دِرَن نون مُخُورن گشنه مِمانَن!